

طراحی الگوی مدیریت پیشگیری انتظامی از تکرار جرائم (مورد مطالعه: جرم سرقت مسلحانه)

اکبر وروایی^۱، حسین ذوالفقاری^۲، سید علی عبادی نژاد^۳، هادی رفیعی کیا^۴

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۷/۲۱

تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۱/۱۸

از صفحه ۱۱۷ تا ۱۵۰

پژوهشنامه نظم و امنیت انتظامی، سال دوازدهم،
شماره اول (پیاپی چهل و پنجم)، بهار ۱۳۹۸

چکیده

مقدمه: پیشگیری انتظامی از تکرار جرم با مدنظر قرار دادن مجرمان، بزه‌دیدگان و یا موقعیت‌های ارتکاب جرم، از تکرار بزه جلوگیری می‌کند. هدف از این پژوهش، دستیابی به الگوی مناسب مدیریت پیشگیری انتظامی از تکرار سرقت مسلحانه در کشور است.

روش: پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی است که با رویکرد آمیخته با طرح اکتشافی انجام شد. در رویکرد کیفی، روش تحلیل محتوی و در رویکرد کمی، روش توصیفی از نوع پیمایشی است. جامعه آماری آن را در بخش کیفی کلیه خبرگان و صاحب‌نظران حوزه پیشگیری انتظامی که حدود ۵۰ نفر و در بخش کمی کلیه کارشناسان و مسئولان حوزه پیشگیری انتظامی که تعداد آن‌ها حدود ۲۷۹۵ نفر تشکیل می‌دهند. برای تعیین حجم نمونه با استفاده از جدول کوهن، حجم نمونه در سطح خطای یک درصد ۳۳۸ نفر انتخاب گردید و به‌عنوان نمونه آماری انتخاب شدند.

یافته‌ها: متغیر پیشگیری انتظامی از تکرار جرم سرقت مسلحانه و به‌عنف شامل ابعاد پیشگیری کیفری بزهکار محور، پیشگیری غیر کیفری (وضعی) بزه‌دیده و پیشگیری غیر کیفری (اجتماعی) بزهکار محور است. پیشگیری کیفری بزهکار محور شامل مؤلفه‌های شدت در فرآیند کیفری مجازات، قطعیت در فرآیند کیفری مجازات و تسریع در فرآیند کیفری مجازات است؛ بعد پیشگیری غیر کیفری (وضعی) بزه‌دیده شامل مؤلفه‌های پیشگیری از طریق طراحی محیط و پیشگیری استراتژی‌های محیطی و بعد پیشگیری غیر کیفری (اجتماعی) بزهکار محور شامل مؤلفه‌های پیشگیری رشدمدار، پیشگیری جامعه‌ی بوده است.

نتیجه‌گیری: نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که مدیریت پیشگیری انتظامی از تکرار سرقت مسلحانه دارای سه بعد پیشگیری کیفری بزهکار محور، پیشگیری غیر کیفری (وضعی) بزه‌دیده و پیشگیری غیر کیفری (اجتماعی) بزهکار محور است و دارای هفت مؤلفه، شدت در فرآیند کیفری مجازات، قطعیت در فرآیند کیفری مجازات، تسریع در فرآیند کیفری مجازات، پیشگیری از طریق طراحی محیط، پیشگیری استراتژی‌های محیطی، پیشگیری رشدمدار، پیشگیری جامعه مدار است. لذا تأثیر پیشگیری غیر کیفری (اجتماعی) بزهکار محور بر پیشگیری انتظامی از تکرار سرقت مسلحانه در رتبه اول قرار دارد و وضعیت موجود مدیریت پیشگیری انتظامی از تکرار سرقت مسلحانه مطلوب است.

کلیدواژه‌ها: پیشگیری، مدیریت، پیشگیری انتظامی، تکرار جرم، سرقت مسلحانه.

۱- استاد و عضو هیئت‌علمی دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران.

۲- دانشیار و عضو هیئت‌علمی دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران.

۳- دانشیار و عضو هیئت‌علمی دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران.

۴- دانشجوی دکتری مدیریت پیشگیری از جرم دانشگاه علوم انتظامی امین، (نویسنده مسئول): sattar91h93@gmail.com



مقدمه

پیشگیری انتظامی از تکرار جرم یا پیشگیری مرحله سوم، با مدنظر قرار دادن مجرمان، بزه‌دیدگان و یا موقعیت‌های ارتکاب جرم، از تکرار بزه جلوگیری می‌کند و وقوع جرم در جامعه به دو طریق صورت می‌گیرد. یکی وقوع اولین جرائم افراد و دیگری تکرار جرائم از سوی مجرمین قبلی. تکرار جرائم به دو دلیل خسارات بیشتری به بزه‌دیده و جامعه وارد می‌کند؛ اول این‌که در جرائم اولیه، بسیاری از افراد به‌طور سهوی مرتکب جرم می‌شوند و نیت مجرمانه در آنان یا وجود ندارد و یا ضعیف است؛ لیکن در جرائم ثانویه و یا تکراری، مجرم با نیت مجرمانه و با برنامه‌ریزی اقدام به جرم می‌کند. پیشگیری از تکرار جرم امری کاملاً منطقی و ضروری است. معمولاً بزهکاران در یک مدت کوتاه پس از خروج از سامانه اصلاح و تربیت دوباره به دلیل ارتکاب جرم دستگیر و محکوم می‌شوند؛ یافتن راهکارهای مناسب برای پیشگیری از تکرار جرم از ضروریاتی است که باید در راستای پیشگیری از جرم انجام پذیرد. در پیشگیری از تکرار جرم دو رویکرد کنشی و واکنشی مطرح است. در رویکرد کنشی دو دسته اقدامات فرد محور و موقعیت محور مدنظر هستند و در دیدگاه واکنشی معمولاً اقدامات در دو دسته پیامدگرا و غیر پیامدگرا صورت می‌پذیرند. در نوع غیرپیامدگرا، دستگاه عدالت کیفری صرفاً به دنبال کیفردهی بزهکاران است بدون آن‌که به آینده این دسته از شهروندان پس از تحمل کیفر توجه داشته باشد. ولی در نوع پیامدگرا تبعات ناشی از کیفر دادن مجرمان گرانگاه سیاست پیشگیری است (نیکوکار، ۱۳۹۴: ۵۹۲).

سرقت از جمله جرائمی است که در تمام ادوار تاریخ به‌عنوان یک پدیده اجتماعی مجرمانه موردتنبه و انزجار عمومی بوده و در همه قوانین، شرایع و آئین‌های مذهبی ملت‌ها امری نامشروع بوده و با عکس‌العمل و کیفر شدید مواجه بوده سرقت است. در بین انواع سرقت، سرقت‌های مقرون به آزار یعنی سرقت‌های مسلحانه به‌عنوان پدیده‌ای که هم‌زمان امنیت مالی و جانی افراد و جامعه را بر هم می‌زند دارای درجه اهمیت فوق‌العاده می‌باشد. سرقت مسلحانه از انواع جرائم خطرناک و از مصادیق برجسته جرائم خشونت‌بار است. برای سرقت مسلحانه نمی‌توان تعریف جامع و واحدی را ارائه کرد ولی به‌طور کلی شاید بتوان گفت: هرگاه دو یا چند نفر با اجتماع و مواضعه قبلی و با سلاح به بانک‌ها، صرافی‌ها و یا جواهرفروشی‌ها و به هر محلی که در آن وجوه نقد یا اوراق بهادار

یا سایر اشیاء قیمتی وجود دارد و به نیت سرقت و بردن اموال وارد آنجا شوند به آن سرقت مسلحانه گویند (قربانی، ۱۳۷۲: ۶ و ۴۳۵).

سرقت‌ها از لحاظ شیوه ارتکاب به دو نوع عادی و مسلحانه تقسیم می‌نمایند. سرقت‌های مسلحانه نیز با دو نوع سلاح گرم و سلاح سرد انجام می‌گیرد (محمد نسل، ۱۳۹۲: ۱۱۴). برای اولین بار در سال ۱۹۶۰ حملات مسلحانه در آفریقا گزارش گردید و امروزه این موضوع در کلیه نقاط جهان وجود دارد و باندهای سرقت مسلحانه که مرتکب سرقت می‌شوند اصولاً سازمان‌یافته می‌باشند. در ایران نیز یک رشته سرقت‌های مسلحانه از بانک‌ها، صرافی‌ها و جواهرفروشی‌ها در سال ۱۳۳۸ به وقوع پیوست و حتی چند فقره هم منجر به قتل محافظین بانک شد و بر این اساس قانون مربوط به تشدید مجازات سرقت مسلحانه در آن سال به تصویب رسید (ابرنادآبادی، ۱۳۹۰: ۲۲). با گذشت زمان شیوه‌ها و روش‌های ارتکاب سرقت مسلحانه تغییر یافته است، به طوری که سارقین از آخرین فنون و فن‌ها برای انجام مقاصد خود استفاده می‌کنند و به همین دلیل شیوه‌ها و روش‌های پیشگیری از آن نیز متناسب با این تغییرات متحول شده است.

این مسئله، جزء خشن‌ترین حالات وقوع بوده که علاوه بر خسارت مالی ناشی از سرقت اموال، عموماً باعث بروز آسیب‌های جسمی و از همه بدتر، روحی و روانی می‌شود که جبران آن سخت و یا غیرممکن است (قلاوند، ۱۳۸۸: ۱۸). آمارها حکایت از آن دارد که سرقت‌های مقرون به آزار، یعنی سرقت مسلحانه در جامعه ما یک مسئله جدی بوده و در سال‌های اخیر نیز وقوع آن‌ها افزایش یافته است.

در سال ۱۳۹۵ حدود ۱۸/۵ درصد سرقت‌های مسلحانه توسط سارقینی انجام شده است که به تکرار این نوع جرم دست‌زده‌اند و از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۶ حدود ۶۶ درصد از سرقت‌های مسلحانه توسط افرادی انجام شده است که تکرار جرم داشته‌اند. در حال حاضر، پیشگیری از وقوع جرائم، هم الزامی قانونی و هم منطقی سازمانی است که طبق بند (د) ماده ۴ قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۹/۰۴/۲۶، به‌عنوان یکی از وظایف و مأموریت‌های عمده و اصلی نیروی انتظامی تلقی می‌شود. به این جهت، توجه به زمینه‌ها و بسترهای پیشگیری از جرائم و شیوه‌های برخورد با مجرم، مدت‌هاست که در دستور کار پلیس قرار دارد.



عدم وجود الگوی مناسب برای بحث مدیریت پیشگیری انتظامی از تکرار جرم سرقت مسلحانه و به عنف در دستور کار پلیس، باعث اعمال سلیقه‌ای شدن برخورد در این نوع جرائم گردید که این سلیقه‌ای عمل کردن خود نوعی آسیب‌ها و مضرات غیرقابل جبرانی برای سازمان ناجا و شهروندان به دنبال دارد اهمیت و ضرورت این مسئله باعث گردید تا محقق در این رساله با علم و هنر به‌کارگیری کلیه امکانات مادی و معنوی پلیس به‌منظور برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، هدایت و رهبری و نظارت و کنترل، برای دستیابی به اهداف سازمانی که همانا برقراری و حفظ نظم، امنیت و آرامش در جامعه و پیشگیری انتظامی از تکرار جرم در سرقت‌های مسلحانه است رو به‌سوی طراحی الگوی مناسب برود؛ لذا مسئله اصلی پژوهش این است که با چه الگویی می‌توان از تکرار سرقت مسلحانه پیشگیری انتظامی کرد؟

پیشینه و مبانی نظری پژوهش

پیشینه پژوهش

با کاوشی که در ادبیات و اسناد تحقیق انجام گرفت، تحقیقی با عنوان «الگوی مدیریت انتظامی پیشگیری از تکرار سرقت‌های مقرون به آزار یا هر نوع جرم دیگری» یافت نشد؛ اما چه در داخل و چه در خارج از کشور پژوهش‌هایی انجام گرفته که تا حدودی با موضوع تحقیق پیوند دارند.

– مؤیدی (۱۳۹۴)، در مقاله‌ای به تحلیل و نقد «الگوی انتظامی مقابله با عرضه و فروش مواد مخدر» پرداخت. محقق در این مقاله عنوان می‌کند که مبارزه با مواد مخدر دارای دو رویکرد مقابله با عرضه و کاهش تقاضا می‌باشد. مقابله با عرضه با استفاده از روش‌های انتظامی، اطلاعاتی و رزمی انجام می‌گیرد. به‌عبارت‌دیگر، منظور از مقابله با عرضه اقداماتی نظیر متوقف ساختن ورود، قاچاق و توزیع مواد است که دارای ماهیت انتظامی و اطلاعاتی می‌باشد. اقدامات انتظامی مقابله با عرضه در کشور نیز توسط نیروی انتظامی انجام می‌گیرد و دیدگاه انتظامی مبارزه با مواد مخدر شامل اقدامات انتظامی جهت مقابله با کشت و تولید مواد مخدر، مقابله با ورود، حمل و ترانزیت و مقابله با توزیع می‌باشد. محقق در پایان

به این نتیجه می‌رسد که اجرای اقدامات مقابله‌ای با عرضه، بر روی ریسک عرضه مواد مخدر تأثیر مستقیم دارد.

– وروایی و همکاران (۱۳۹۲)، پژوهش خود را با عنوان «نقش پیشگیرانه پلیس در سیاست جنایی مشارکتی» با هدف بررسی نحوه بهره‌برداری پلیس از مشارکت هرچه وسیع‌تر مردم، تشکل‌های مردمی و نهادهای اجتماعی در مراحل پیشگیری از جرم و نیز مراحل اجرای عدالت کیفری آن انجام داده‌اند. از جمله یافته‌های این پژوهش عبارت‌اند از: مبانی و اصول بنیادین پیشگیری پلیسی از جرم، الگوهای سازمانی پلیس و سیاست جنایی مشارکتی پیشگیرانه از جرم و مطالعه تطبیقی برنامه‌های مشارکتی پلیس در پیشگیری از جرم.

– فرجی‌ها (۱۳۸۸)، در مقاله خود با عنوان «پیشگیری انتظامی از جرم؛ الگوهای مشارکتی یا اقتدارگرایانه» اشاره می‌کند که در طول چند دهه اخیر علاقه روزافزونی نسبت به بهره‌گیری از یافته‌های علمی در توسعه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در زمینه پیشگیری از جرم و انحراف به وجود آمده است. به‌رغم حمایت‌های رسمی از ابزارهای سزاگرایانه پلیسی و قضایی برای کنترل جرم، یافته‌های پژوهش‌های علمی بیانگر آن است که سازوکارهای تولید نظم و امنیت، نه در تهدیدهای متزلزل ابزارهای کیفری، بلکه در بستر اجتماع و قابلیت ظرفیت‌های موجود در آن نهفته است. نتیجه عملی این یافته‌های علمی تأکید بر کنترل‌پذیر ساختن جرم از رهگذر سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه اجتماعی و پرهیز از توسل به ابزارهای کیفری برای تحقق عدالت اجتماعی و نیز ضرورت همگرایی و تعامل بیشتر میان سیاست‌های اجتماعی و سیاست‌های کنترل جرم است.

– سلیمی (۱۳۹۵)، رساله دکتری خود را در دانشکده فرماندهی و مدیریت دانشگاه علوم انتظامی با عنوان «ارائه الگوی مدیریت پیشگیری اجتماعی ناجا از بزهکاری نوجوانان» به راهنمایی عباس خورشیدی با هدف طراحی الگوی مدیریت پیشگیری اجتماعی ناجا از بزهکاری نوجوانان و با اهداف فرعی شناسایی ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های الگوی گفته‌شده بومی ارائه نموده است. ایشان در بخش ادبیات نظری تحقیق خود با طرح مباحثی چون؛ مشکلات و نیازهای دوره



نوجوانانی، ماهیت بزهکاری نوجوانان، ویژگی‌های بزهکاری اطفال، عوامل ارتکاب بزهکاری نوجوانان، ضرورت پیشگیری از بزهکاری، اصول اساسی در پیشگیری از بزهکاری، نقش خانواده در پیشگیری از بزهکاری نوجوانان و نقش سازمان‌ها و رسانه‌ها در پیشگیری از جرم نوجوانان و درنهایت با پرداختن به رویکردهای جدید پیشگیری از جرم در ناجا، نیازمندی‌های ناجا در پیشگیری از جرم نوجوانان را مورد بررسی قرار داده است. همان‌طور که مشاهده گردید تحقیقاتی مانند الگوی انتظامی مقابله با عرضه و فروش مواد مخدر، نقش پیشگیرانه پلیس در سیاست جنایی مشارکتی، پیشگیری انتظامی از جرم؛ الگوهای مشارکتی یا اقتدارگرایانه، ارائه الگوی مدیریت پیشگیری اجتماعی ناجا از بزهکاری نوجوانان در سطح ملی صورت گرفته ولی متأسفانه هیچ‌یک از محققین به طراحی الگوی مدیریت پیشگیری انتظامی در پیشگیری از تکرار سرقت مسلحانه نپرداخته‌اند لذا لازم است تا در این تحقیق به این مهم پرداخته شود.

مبانی نظری پژوهش

مدیریت انتظامی: در لغت واژه مدیریت اسم مصدر جعلی است که از مدیر و مدیریت گرفته شده است. در لغت‌نامه دهخدا به معنای مدیر بودن (دهخدا، ۱۳۷۳: ۱۵۵). در فرهنگ فارسی معین به معنای مدیر بودن، مدیری، علم و هنر متشکل کردن و هماهنگ کردن است (معین، ۱۳۷۵: ۲۱۴). تعاریف بسیار زیادی در مفهوم مدیریت وجود دارد که دارای وجوه مشترک می‌باشند و هرکدام به نحوی بر تبیین این واژه به ما کمک می‌کنند. در زیر به چند تا از این تعاریف اشاره می‌شود: ویلیام آل مگینسون، مدیریت را کار کردن با منابع انسانی، منابع مالی و منابع فیزیکی، جهت دستیابی به اهداف سازمان توسط برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، رهبری و کنترل عملیات معرفی نموده‌اند (میرابی، ۱۳۸۲: ۱۰-۱۱). دکتر رضاییان مدیریت را فرآیند به‌کارگیری مؤثر و کارآمد منابع مادی و انسانی در برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، بسیج منابع و امکانات، هدایت و کنترل می‌داند که برای دستیابی به اهداف سازمانی و بر اساس نظام ارزشی موردقبول صورت می‌گیرد. ایشان اصول مدیریت را شامل: برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، بسیج منابع و امکانات، هدایت، سرپرستی و کنترل بیان می‌نمایند (رضاییان، ۱۳۸۲: ۵)؛ اما با سیری در معنی و مفهوم واژه‌های تشکیل‌دهنده، مدیریت انتظامی را می‌توان فرآیند

به‌کارگیری مؤثر و کارآمد منابع انسانی و مادی از طریق ساماندهی، سازمان‌دهی، هماهنگی، رهبری و نظارت و کنترل فعالیت‌های انتظامی، جهت تحقق اهداف امنیت داخلی کشور که همان حفظ نظم و امنیت عمومی و اجتماعی است بر اساس نظام ارزشی اسلام دانست (گودرزی و جهانشیری، ۱۳۹۳: ۹۶).

مفهوم مدیریت: مدیریت عبارت است از فرآیند به‌کارگیری مؤثر و کارآمد منابع مادی و انسانی در برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، بسیج منابع و امکانات، نظارت و کنترل است که برای دستیابی به اهداف سازمانی و بر اساس نظام ارزشی موردقبول، صورت می‌گیرد. همچنین برای مدیریت عناصر چهارگانه‌ای آورده‌اند که به بیان آن‌ها و تعریف اصطلاحی این واژه‌های کلیدی خواهیم پرداخت (رضاییان، ۱۳۹۵: ۳۵).

الف- برنامه‌ریزی: برنامه‌ریزی یا طرح‌ریزی یعنی اندیشیدن از پیش. متخصصین از زوایای متعدد برای برنامه‌ریزی تعاریف متعددی ارائه کرده‌اند که برخی از آن‌ها از این قرار است: تعیین هدف، یافتن و ساختن راه وصول به آن، تصمیم‌گیری در مورد اینکه چه کارهایی باید انجام گیرد، تجسم و طراحی وضعیت مطلوب در آینده و یافتن و ساختن راه‌ها و وسایلی که رسیدن به آن را فراهم کند، طراحی عملیاتی که شیئی یا موضوعی را بر مبنای شیوه‌ای که از پیش تعریف‌شده، تغییر بدهد.

ب- سازمان‌دهی: سازمان‌دهی فرایندی است که طی آن تقسیم‌کار میان افراد و گروه‌های کاری و هماهنگی میان آنان، به‌منظور کسب اهداف صورت می‌گیرد. در رابطه با سازمان‌دهی، مدیر باید هم ساختار سازمان را متناسب با اهداف و منابع سازمان ایجاد نماید (طراحی سازمان) و هم به دنبال فراهم نمودن افراد مناسب برای ساختار تعیین شده باشد.

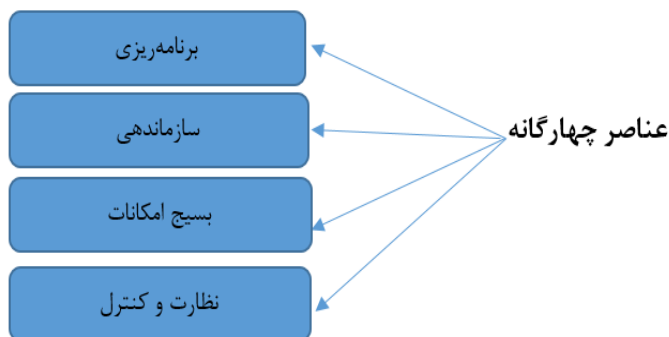
ج- بسیج امکانات: بسیج امکانات شامل این موارد می‌باشد: تأمین عناصر انسانی (مدیریت منابع انسانی)، مدیریت بازاریابی، تأمین منابع مالی یا مدیریت مالی، تأمین مواد و وسایل یا مدیریت لجستیک، تأمین و استفاده از منابع حقوقی. عنصری که در بسیج امکانات به‌عنوان رکن در مؤلفه بسیج امکانات بوده موضوع مدیریت منابع انسانی است که به‌صورت مختصر به آن خواهیم پرداخت؛



۱. فرآیند شناسایی، انتخاب، استخدام، تربیت و پرورش نیروی انسانی به‌منظور نیل به اهداف سازمان را مدیریت منابع انسانی گویند.
 ۲. فرآیندی که به‌وسیله آن عرضه کار در داخل و خارج سازمان با تقاضای سازمان برای نیروی انسانی مطابقت داده می‌شود.
 ۳. فرآیندی که به‌وسیله آن سازمان معین می‌کند برای نیل به اهداف سازمانی به چه تعداد کارمند با چه تخصص‌هایی و برای چه مشاغلی و در چه زمانی نیاز دارد.
- د- نظارت و کنترل:** نظارت و کنترل یکی از اجزای اصلی مدیریت محسوب می‌گردد، به‌طوری‌که بدون توجه به این جزء، سایر اجزاء مدیریت، مثل برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی و هدایت نیز ناقص بوده و تضمینی برای انجام درست آن‌ها وجود ندارد. در حقیقت زمانی که یک برنامه تهیه شد و برای اجرای آن سازمان‌دهی به عمل آمد و رهبری و هدایت آن مشخص شد، انتظار این است که هدف‌های برنامه تحقق پیدا کند و در اجرای برنامه، اطمینان وجود داشته باشد که روند حرکت دقیقاً به‌سوی اهداف تعیین شده می‌باشد (رضاییان، ۱۳۹۵: ۴۵)؛ تعریفی که در مورد کنترل و نظارت کرده‌اند عبارت است از: «ارزیابی تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ها از زمان اجرای آن‌ها و اقدامات لازم برای جلوگیری از انحراف عملیات نسبت به هدف‌های برنامه و تصحیح انحرافات احتمالی به وجود آمده» و همان‌طور که در این تعریف ملاحظه می‌گردد، ارزشیابی جزئی از نظارت و کنترل به‌حساب می‌آید.

فرآیند کنترل شامل چند مرحله است که عبارت‌اند از:

- ۱- تعیین شاخص‌ها یا معیارها متناسب با هدف‌های برنامه و پیش‌بینی نتایج برنامه
- ۲- تهیه و تدوین اطلاعات مربوط به اقدامات انجام شده
- ۳- مقایسه اطلاعات مدون با معیارها و شاخص‌ها
- ۴- تصمیم‌گیری و اقدام اصلاحی برای رفع نواقص یا تصحیح انحرافها (جاسبی، ۱۳۶۸: ۲۴۸-۲۴۱).



شکل ۱: عناصر چهارگانه مدیریت

سرعت، شدت و قطعیت در فرآیند کیفری مجازات: جوامع بشری به گواهی یافته‌های تاریخ حقوق کیفری، دست کم از چهار هزار سال پیش با بزهکاری روبه‌رو هستند. این جوامع معمولاً از سازوکارهای متعددی، از جمله سازوکار واکنشی و ابزارهای نظام عدالت کیفری برای پاسخ‌دهی به این پدیده استفاده می‌نمایند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۳: ۵۸۴). این سازوکار که پیشینه‌ای بسیار طولانی و از نظر ذاتی جنبه پسینی دارد، پس از وقوع بزهکاری با بهره جستن از تدابیر و اقدام‌های نظام عدالت کیفری برای کاهش میزان جرم مداخله می‌کند. بدین‌سان، سازوکار کیفری - که پیشگیری واکنشی، کیفری و پسینی نیز نامیده می‌شود. با ارباب انگیزی و عبرت‌آموزی فردی و گروهی (همگانی) درصدد پیشگیری از بزهکاری نخستین و دوباره شهروندان است (نیازپور، ۱۳۸۲: ۱۳۲). این پیشگیری بر اساس اثری که بر همه شهروندان یا شماری از آنان (یعنی بزهکاران) می‌گذارد، به دو گونه پیشگیری واکنشی عام و خاص تقسیم می‌شود و بر فرضی مبتنی است که بزهکاران با حسابگری و منطق و با اندیشه‌های آزاد مرتکب جرم می‌شوند (غلامی، ۱۳۸۲: ۸۵). به دیگر سخن، بر پایه این دیدگاه، مجرمان با رویکردی حسابگرانه و منطقی و پس از ارزیابی منفعت‌ها و زیان‌های بزهکاری به سراغ ارتکاب آن می‌روند بنابراین، تهدید احتمالی و واقعی ناشی از کیفر سبب می‌شود تا مجرمان احتمالی به دلیل مشاهده مجازات مرتکبان جرم و بزهکاران واقعی و به دلیل تجربه کیفر شدن و تحمل رنج و عذاب ناشی از آن، ارتکاب بزهکاری منصرف شوند. بدین ترتیب، با استفاده از سازوکارها و ابزارهای نظام عدالت کیفری، مانند تهدید



احتمالی و واقعی به کیفر، شدت، قطعیت و سرعت در فرآیند کیفری، می‌توان شهروندان را از ارتکاب بزهکاری نخستین یا دوباره باز داشت (مهر، ۱۳۸۶: ۶۸).

سرعت بخشی به فرآیند کیفری، از جمله سرعت در تعقیب بزهکاران، دادرسی کیفری و اجرای مجازات از مهم‌ترین سازوکارهای نظام عدالت کیفری برای پیشگیری از بزهکاری به شمار می‌رود (خزانی، ۱۳۷۷: ۱۴۶)، به گونه‌ای که برخی از اندیشمندان علوم جنایی، به‌ویژه، «سزار بکاریا» با کنار گذاشتن دیدگاه‌های شدت نگر نسبت به کیفر، آن را مناسب‌ترین راهکار برای کاهش میزان بزهکاری شناسایی کرده‌اند. به باور بکاریا، سرعت در فرآیند کیفری، به‌ویژه سرعت در اجرای کیفر باعث می‌شود که بزهکاران احتمالی و واقعی، نظام عدالت کیفری را نسبت به بزهکاری سختگیر تلقی کنند و در نتیجه بار گران کیفر و پیامدهای بزهکاری - تا اندازه‌ای که امکان دارد- برای دیگران محسوس باشد، زیرا هر چه زمان میان ارتکاب جرم و پاسخ‌دهی دستگاه عدالت کیفری کوتاه‌تر باشد، ربط دادن برخورد نظام عدالت کیفری با بزه واقع شده در ذهن شهروندان سریع‌تر انجام می‌پذیرد و سبب می‌شود که آنان فوراً یکی را علت و دیگری را معلول به شمار آورند (بکاریا، ۱۳۷۴: ۹۶). بدین‌سان، از نظر او محاکمه سریع بزهکاران و سرعت بخشی به اجرای کیفر بر آنان، نقش بسزایی در کاهش میزان بزهکاری ایفا می‌کند. بدین ترتیب، تسریع در فرآیند کیفری بزهکاران احتمالی و واقعی را با نظام عدالت کیفری سریع و قاطع نسبت به بزه‌کاری آشنا می‌کند؛ به گونه‌ای که این نظام با کشف بزهکاری در کوتاه‌ترین زمان با مرتکبان رفتار مجرمانه برخورد می‌کند. بدین‌سان، قانون‌گذاران از طریق مقررات کیفری شکلی، متصدیان دستگاه عدالت کیفری (در این مرحله پلیس) را به سرعت بخشی در این مرحله ملزم نموده‌اند. در این راستا پلیس می‌تواند با بهره‌گیری از طرق زیر، در امر تسریع در فرآیند کیفری نقش داشته باشد:

کارکرد ابعاد مدیریت در تسریع فرآیند کیفری مجازات: برنامه‌ریزی در واقع ستون و پایه مدیریت است. این وظیفه شامل ارزیابی مداوم آنچه سازمان هست و آنچه در آینده می‌خواهد باشد و ارائه و اجرای برنامه‌های مدون برای تحقق اهداف سازمانی می‌باشد. برنامه‌ریزی وظیفه‌ای است بی‌پایان و در شرایط بحرانی گاهی لازم است که استراتژی‌هایی به‌طور ناگهانی پیاده‌سازی گردند. عوامل خارجی بسیاری وجود دارند که همواره به‌طور مثبت و منفی بر سازمان تأثیرگذارند، برحسب شرایط، سازمان باید

برنامه‌های خود را در جهت دستیابی به اهداف خود تغییر دهد، این آماده‌سازی و تنظیم شرایط، برنامه‌ریزی استراتژیک نام دارد. پلیس با این اقدام می‌تواند نقش مهمی در تسریع فرایند کیفری داشته باشد. بدین‌صورت که با برنامه‌ریزی در عملکرد نیروها و اقدام سریع می‌تواند تأثیر فراوانی داشته باشد.

بنابراین به نظر می‌رسد افزایش میزان بودجه و بالا بردن شمار نیروی انسانی در دستگاه عدالت کیفری، فزونی بخشی به تعداد نهادهای پلیسی و قضایی، مانند مراجع تخصصی، بالا بردن توانایی علمی متصدیان نظام عدالت کیفری، به‌ویژه ضابطان دادگستری از طریق برگزاری دوره‌های فراگیر و استفاده از فن‌آوری اطلاعات، بهبود فرآیند ابلاغ آراء و تصمیم‌های نهادهای عدالت کیفری، از جمله راهکارهای سرعت بخشی به فرآیند کیفری‌اند که تصمیم‌گیرندگان سیاست جنایی ایران با اتخاذ تدابیر مناسب در این راستا و با در نظر گرفتن موازین حقوق بشر می‌توانند از سویی بسترهای اجرای جلوه‌های دادرسی و رفتار عادلانه و یکی از بارزترین آثار «فرض بی‌گناهی» (شاملو، ۱۳۸۳: ۲۸۰) و از سوی دیگر، زمینه‌های پیشگیری واکنشی از بزهکاری را فراهم نمایند.

پلیس می‌تواند با تهیه و تکمیل بانک اطلاعاتی شامل مشخصات کیفری و هویتی تمامی مجرمانی که به‌نوعی دارای سابقه ارتکاب جرائم خاص (سرقت به عنف و مسلحانه) بوده و با در اختیار گذاشتن این داده‌ها به واحدهای اجرایی و عملیاتی که نیاز به شناختن این افراد دارند، در برنامه‌ریزی و بالا بردن توان عملیاتی آنان کمک بسزایی نماید؛ لذا با برنامه‌ریزی مدون و صدور دستورات هوشیاری کامل در این خصوص می‌توان از این اطلاعات به‌عنوان یک بازوی قوی برای پلیس یاد کرد.

پلیس با راه‌اندازی واحدهای تخصصی (قرارگاه جلب) به‌منظور دستگیری سریع متهمین و مجرمین حرفه‌ای و سابقه‌دار می‌تواند یک سازمان‌دهی کارآمد برای این موضوع نهادینه کند تا اثر سلبی اجرای قانون در مجازات کیفری با سرعت مناسب‌تری اجرا گردد. همچنین پلیس با سرعت بخشی به تشکیل و ارسال پرونده‌های قضایی، راه‌اندازی سامانه ارسال الکترونیکی پرونده‌ها، تعامل با ادارات کل زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی اجرای سریع مجازات در تسریع فرآیند کیفری مجازات نقش خود را به‌خوبی ایفا نماید. از دیگر وظایف پلیس در تسریع در فرآیند کیفری مجازات، بسیج



منابع و امکانات می‌باشد؛ یعنی پلیس با وجود امکاناتی که در اختیار دارد و بسیج نمودن آن‌ها می‌تواند با برخورد سریع با پدیده بزهکاری و اجرای وظایف محوله هم از بزهکاری مجدد پیشگیری نموده و همین‌که با اجرای وظیفه خود که همان تحقیقات مقدماتی است نقش مهمی در تسریع فرآیند کیفری داشته باشد.

در پیشگیری و مقابله با تکرار جرائم خشن (سرقت مسلحانه و به عنف) پلیس با طرح‌ها و رزمایش‌های مشترک می‌تواند در دستگیری و برخورد با این قبیل متهمین و مجرمین دستگاه قضایی را در تسریع اعمال مجازات کیفری یاری نماید.

نظارت و کنترل یکی از اجزای اصلی مدیریت محسوب می‌گردد به طوری که بدون توجه به این جزء، سایر اجزا مدیریت، از قبیل برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی و هدایت نیز ناقص بوده و تضمینی برای انجام درست آن‌ها وجود ندارد. هدف و فلسفه وجودی نظارت و کنترل اصلاح و بهبود فرایندها است و اگر این ویژگی در نظام کنترلی مدیریت انتظامی موجود نباشد، سیستم دوام چندانی نخواهد داشت. در این رابطه می‌توان بیان داشت که پلیس، می‌تواند با نقش نظارت و کنترلی خود نقشی مهم در تسریع فرآیند رسیدگی را داشته باشد. بدین صورت که با نظارت خود بر بزهکاری و تشکیل پرونده‌های تحقیقاتی و ارسال آنان به مراجع صالح و نیز جلوگیری از تبانی و مخفی شدن بزهکار می‌تواند در تسریع فرآیند کیفری مفید واقع شود. فلسفه وجودی دستگاه‌های نظارتی در ناجا مانند عقیدتی سیاسی، حفاظت اطلاعات و بازرسی در کنار فرماندهی همان حفظ و صیانت از کارکنان ناجا در اجرای مأموریت‌های محوله است. از آنجا که گستره مأموریتی پلیس با شرایط جغرافیایی، سیاسی، امنیتی و اجتماعی متفاوت همراه بوده و از طرفی تنوع مأموریت‌ها شدت تهدیدات و آسیب‌ها پیش روی کارکنان از آن چنان اهمیت و گستردگی برخوردار بوده که بی‌توجهی به نظارت و کنترل این مجموعه می‌تواند علاوه بر آلودگی و آسیب به کارکنان منجر به عدم توفیق پلیس در اجرای وظایف ضابطیت و انتظامی بخشی در جامعه و به‌طور خاص اطاله دادرسی و ناکارآمدی دستگاه قضایی و پلیس تسریع در فرآیند کیفری گردد (وروایی، ۱۳۹۴: ۱۴).

کارکرد ابعاد مدیریت در شدت فرآیند کیفری مجازات: هیچ مجازاتی مقدم بر جرم نیست و مجازات هر جرمی بعد از آنکه منافع آن جرم برای بزهکار حاصل شد، بر وی تحمیل می‌شود. به این ترتیب در هر جرمی، زمان تحصیل منافع مقدم بر زمان تحمل

مجازات است. در این زمینه نه فقط کندی دستگاه عدالت کیفری، بلکه تصادفی بودن دستگیری و مجازات نیز تأثیر دارد. آمارهای کیفری نشان می‌دهد که دستگیری مجرمان و اجرای مجازات در مورد آن‌ها، اموری هستند که احتمال آن‌ها بسیار اندک است. شدت در فرآیند کیفری از سوی پلیس، نقش مهم در راستای پیشگیری از تکرار جرم در جرائم سرقت مسلحانه و به عنف دارد. پلیس در بهره‌گیری از مدیریت انتظامی در امر پیشگیری از تکرار جرم، از مؤلفه‌های زیر می‌تواند بهره بگیرد.

سازمان‌دهی به‌عنوان یکی از ابعاد مدیریت در حوزه شدت فرآیند کیفری مجازات با رویکرد پلیس از جمله مؤثرترین و مهم‌ترین ابعاد به شمار می‌آید. از موارد مهم در این حوزه انتخاب زمان و مکان مناسب برای دستگیری سارقان، استفاده از کارکنان شجاع و خبره در عملیات دستگیری، همراه داشتن سلاح و تجهیزات و امکانات موردنیاز و نیز دستگیری سارقان در کمترین زمان پس از وقوع می‌توان نام برد. به‌طوری‌که بین وقوع و کشف جرم فاصله زمانی زیادی حادث نگردد و پلیس بتواند با اقدام به‌موقع و دستگیری متهمین و مجرمین اثر بازدارندگی خوبی در ذهن‌ها جای بگذارد. بسیج منابع و امکانات نیز به‌مانند برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی، می‌تواند در شدت فرآیند کیفری تأثیرگذار باشد. پلیس با بسیج منابع و امکاناتی که در اختیار دارد و اقتدار عمل در زمان برخورد با بزهکاری و شدت عملکرد، می‌تواند در شدت فرآیند کیفری تأثیرگذار باشد. پلیس برای ارتقای اقتدار خود از ابزارها و فناوری‌های روز دنیا می‌بایست بهره گرفته و در این راستا با بهره‌مندی از ظرفیت رده‌های مختلف ناجا اعم از پلیس‌های تخصصی، یگان ویژه و یگان امداد ... در عملیات کشف و دستگیری، استفاده از ظرفیت پایگاه شاهد و اداره اطلاعات جنایی پلیس آگاهی و نیز تعامل با دستگاه‌های اطلاعاتی کشور به ایفای نقش مقتدرانه خود بپردازد. همچنین پلیس با تعامل با دستگاه قضایی برای پشتیبانی و معاضدت در مأموریت‌ها و عدم به‌کارگیری کارکنان مسئله‌دار و بی‌انگیزه می‌تواند انسجام و اقتدار خود را حفظ نماید. نظارت و کنترل بر پلیس در شدت فرآیند کیفری می‌تواند در پیشگیری از تکرار سرقت‌های مسلحانه و به عنف تأثیر بسزایی داشته باشد. در این خصوص پلیس با تدوین و تصویب طرح‌های عملیاتی و ارائه آن در کمیسیون‌های مربوطه، حضور فعال نمایندگان دستگاه‌های نظارتی (حفاظت اطلاعات و بازرسی) در عملیات پلیسی، مستندات سازی اقدامات به‌ویژه در بازسازی صحنه،

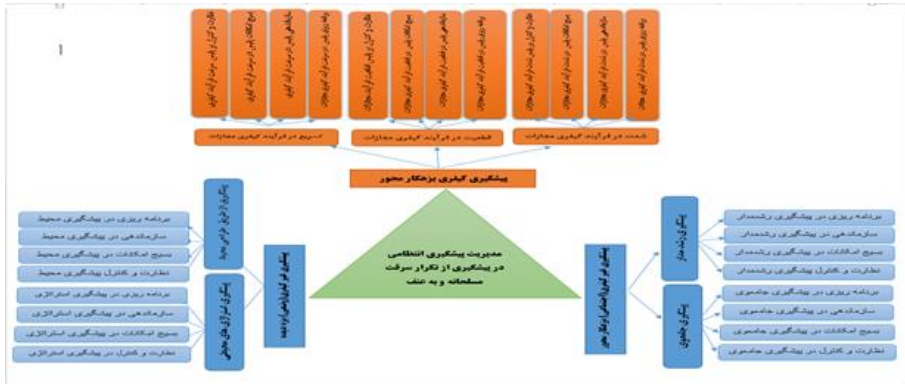


شناسایی و دستگیری سارقان سابقه‌دار و حرفه‌ای و نیز بازخورد گیری عملیات و تحلیل آن پس از اجزا در شدت فرآیند کیفری کمک شایانی بنماید (وروایی، ۱۳۹۶: ۴۸).

کارکرد ابعاد مدیریت در قطعیت فرآیند کیفری مجازات: از آنجایی که قبل و حتی در طول فرایند دادرسی، وقوع جرم مفروض نیست، لذا علی‌القاعده مدعی وقوع جرم باید با اثبات وقوع جرم، خلاف اصل اباحه را ثابت کند. با این حال اثبات وقوع جرم همیشه از روش یکسانی پیروی نمی‌کند و با توجه به طبیعت جرم یا اوضاع و احوال ارتکاب آن، اثبات وقوع جرم ممکن است مستلزم تحقیق از مرتکب آن باشد و یا ممکن است بدون تحقیق از مرتکب، با توجه به آثار و دلایل مادی موجود و شرایط حاکم بر ارتکاب عمل و در صورت لزوم استماع شهادت شهود و مطلعین یا اخذ نظر کارشناسی، به وقوع جرم پی برد. برای قطعیت در فرآیند کیفری مجازات پلیس می‌تواند با اجتناب از دستگیری‌های بی‌هدف، همانند مظنون‌گیری که بر اساس یک رویه از گذشته توسط عوامل گشت صورت می‌گرفت و اجرای کامل و قطعی دستورات مقام قضایی به‌ویژه در حوزه اجرای احکام و نیز دستگیری مجلوبین و زندانیان فراری از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در قطعیت فرآیند کیفری مجازات می‌باشد. نایبستی نقش مأمورین کشف جرم و دستگیری خصوصاً در سرقت‌های مسلحانه و به‌عنف را در تشکیل صحیح و سریع پرونده‌ها با رویکرد جلوگیری از اطاله دادرسی در مراجع قضایی نادیده گرفت (وروایی، ۱۳۹۴: ۱۵).

مدل مفهومی پژوهش

همان‌طور که در صدر این پژوهش اشاره کردیم الگویی که متناسب با مدیریت پیشگیری انتظامی در پیشگیری از تکرار سرقت مسلحانه باشد از سه بعد موردبررسی قرار گرفته است بدین‌صورت که بعد اول به پیشگیری کیفری بزهکار محور پرداخته و با شدت، قطعیت و تسریع در فرآیند کیفری مجازات خواسته خود را ابراز می‌دارد، همچنین بعد دوم و سوم به پیشگیری غیر کیفری بزهکار محور و پیشگیری غیر کیفری بزه دیده محور پرداخته‌ایم که به‌صورت شکل زیر این مدل مفهومی ترسیم می‌گردد.



شکل ۲: مدل مفهومی پژوهش

روش‌شناسی

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی است که با رویکرد آمیخته با طرح اکتشافی انجام شد. در رویکرد کیفی، روش تحلیل محتوی و در رویکرد کمی، روش توصیفی از نوع پیمایشی است. جامعه آماری آن را در بخش کیفی کلیه خبرگان و صاحب‌نظران حوزه پیشگیری انتظامی، به تعداد ۵۰ نفر و در بخش کمی کلیه کارشناسان و مسئولان حوزه پیشگیری انتظامی که تعداد آن‌ها بر اساس اطلاعات موجود حدود ۲۷۹۵ نفر تشکیل می‌دهند. برای تعیین حجم نمونه با استفاده از جدول کوهن، حجم نمونه در سطح خطای یک درصد ۳۳۸ نفر انتخاب گردید و به‌عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. از این تعداد ۷ نفر مصاحبه انجام شد تا اشیاع نظری برای محقق صورت گرفت و از دل مصاحبه‌ها ابعاد و مؤلفه‌ها و شاخص‌ها استخراج گردید.

یافته‌های پژوهش

همان‌طور که در بیان مسئله شرح دادیم، ابهامات و سؤالاتی وجود دارد مانند اینکه ابعاد مدیریت پیشگیری انتظامی از تکرار سرقت مسلحانه و سرقت کدام‌اند؟ و مؤلفه‌های مدیریت پیشگیری انتظامی از تکرار سرقت مسلحانه و سرقت کدام‌اند؟ و شاخص‌های مدیریت پیشگیری انتظامی از تکرار سرقت مسلحانه و سرقت چه بوده و نهایتاً اولویت‌بندی این ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های مدیریت پیشگیری انتظامی از تکرار سرقت مسلحانه چه وضعیتی دارد؟ حال می‌خواهیم به این سؤالات پژوهش پاسخ دهیم که



شاخص‌ها، مؤلفه‌ها و ابعاد مدیریت پیشگیری انتظامی از تکرار سرقت مسلحانه و سرقت کدام‌اند؟ تحلیل پاسخ‌های جمع‌آوری‌شده از پرسشنامه خبرگان به این سؤال جواب خواهد داد. با توجه به داده‌های جمع‌آوری‌شده در فرمت مصاحبه که با فرایند تطبیق مستمر به نقطه اشباع نظری رسیده است بعد از تعریف سؤالات اصلی پژوهش (مصاحبه) که برای آن‌ها مقیاس کمی تعریف‌شده است، می‌توان کدگذاری مصاحبه‌های جمع‌آوری‌شده را با تعریف ویژگی‌ها و ابعاد آن و نمودارهای توصیف‌کننده این ویژگی‌ها شروع کرد. شایان‌ذکر است که با ۷ خبره نویسنده و محقق به اشباع نظری رسیده و توانسته از دل این مصاحبه‌ها ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های این موضوع را تبیین و مشخص کند. لذا در این زمینه بر اساس مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با ۵ سؤال مصاحبه انجام شد. با استفاده از رویکرد گراند تئوری و استفاده از نرم‌افزار MAXQDA به این سؤال پاسخ داده می‌شود. در ادامه می‌توان چک‌لیست نتایج مصاحبه را در جداولی مجزا مشاهده کرد. پاسخ‌های ارائه‌شده برای هر سؤال پس از تحلیل محتوا و کدگذاری توسط پژوهشگر و دو نفر از متخصصین آمار در جدولی آورده شده است که این جدول، بیانگر شاخص‌ها و مؤلفه‌های اصلی پژوهش می‌باشد. با توجه به داده‌های جمع‌آوری‌شده در فرمت مصاحبه که با فرایند تطبیق مستمر به نقطه اشباع نظری رسیده است بعد از تعریف سؤالات اصلی پژوهش (مصاحبه) که برای آن‌ها مقیاس کمی تعریف‌شده است، می‌توان کدگذاری مصاحبه‌های جمع‌آوری‌شده را با تعریف ویژگی‌ها و ابعاد آن و نمودارهای توصیف‌کننده این ویژگی‌ها شروع کرد؛ بنابراین، در گام اول لازم است تا واحدهای معنایی شناسایی شود و در جدول زیر قابل‌رؤیت است.

جدول ۱: واحدهای معنایی اولیه حاصل از پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان

واحد معنایی
برنامه‌ریزی پلیس در شدت فرآیند کیفری مجازات
سازمان‌دهی پلیس در شدت فرآیند کیفری مجازات
بسیج امکانات پلیس در شدت فرآیند کیفری مجازات
نظارت و کنترل پلیس در شدت فرآیند کیفری مجازات
برنامه‌ریزی پلیس در قطعیت فرآیند کیفری مجازات
سازمان‌دهی پلیس در قطعیت فرآیند کیفری مجازات
بسیج امکانات پلیس در قطعیت فرآیند کیفری مجازات
نظارت و کنترل پلیس در قطعیت فرآیند کیفری مجازات

واحد معنایی

برنامه‌ریزی پلیس در تسریع فرآیند کیفی مجازات
 سازمان‌دهی پلیس در تسریع فرآیند کیفی مجازات
 بسیج امکانات پلیس در تسریع فرآیند کیفی مجازات
 نظارت و کنترل پلیس در تسریع فرآیند کیفی مجازات
 برنامه‌ریزی پلیس در پیشگیری محیط
 سازمان‌دهی پلیس در پیشگیری محیط
 بسیج امکانات پلیس در پیشگیری محیط
 نظارت و کنترل پلیس در پیشگیری محیط
 برنامه‌ریزی پلیس در پیشگیری استراتژی
 سازمان‌دهی پلیس در پیشگیری استراتژی
 بسیج امکانات پلیس در پیشگیری استراتژی
 نظارت و کنترل پلیس در پیشگیری استراتژی
 برنامه‌ریزی پلیس در پیشگیری رشدمدار
 سازمان‌دهی پلیس در پیشگیری رشدمدار
 بسیج امکانات پلیس در پیشگیری رشدمدار
 نظارت و کنترل پلیس در پیشگیری رشدمدار
 برنامه‌ریزی پلیس در پیشگیری جامعه‌ی
 سازمان‌دهی پلیس در پیشگیری جامعه‌ی
 بسیج امکانات پلیس در پیشگیری جامعه‌ی
 نظارت و کنترل پلیس در پیشگیری جامعه‌ی

نهایت خروجی حاصل از تحلیل، به شرح جدول زیر می‌توان مشاهده کرد. این جدول حاصل کدگذاری باز محوری و گزینشی است که با نظر اساتید راهنما و مشاور و نیز ادبیات تحقیق انجام شده است.

جدول ۲: کدگذاری باز، محوری و گزینشی (انتخابی)

کدگذاری انتخابی	کدگذاری محوری	کدگذاری باز
		برنامه‌ریزی پلیس در شدت فرآیند کیفی مجازات
	شدت در فرآیند کیفی مجازات	سازمان‌دهی پلیس در شدت فرآیند کیفی مجازات
		بسیج امکانات پلیس در شدت فرآیند کیفی مجازات
پیشگیری کیفی بزهکار محور		نظارت و کنترل پلیس در شدت فرآیند کیفی مجازات
		برنامه‌ریزی پلیس در قطعیت فرآیند کیفی مجازات
	قطعیت در فرآیند کیفی مجازات	سازمان‌دهی پلیس در قطعیت فرآیند کیفی مجازات
		بسیج امکانات پلیس در قطعیت فرآیند کیفی مجازات
		نظارت و کنترل پلیس در قطعیت فرآیند کیفی مجازات



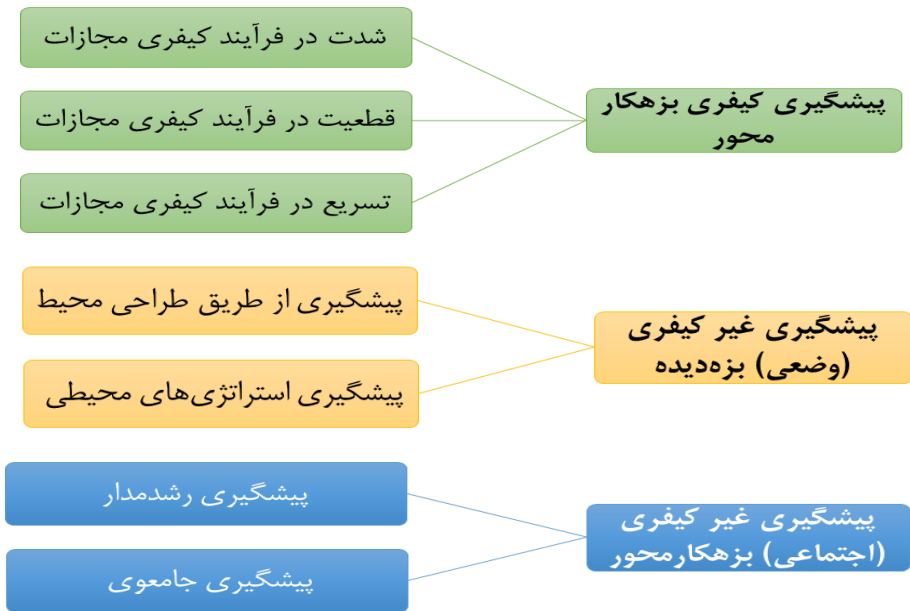
کدگذاری انتخابی	کدگذاری محوری	کدگذاری باز
	تسریع در فرآیند کیفری مجازات	برنامه‌ریزی پلیس در تسریع فرآیند کیفری مجازات
		سازمان‌دهی پلیس در تسریع فرآیند کیفری مجازات
		بسیج امکانات پلیس در تسریع فرآیند کیفری مجازات
		نظارت و کنترل پلیس در تسریع فرآیند کیفری مجازات
	پیشگیری از طریق طراحی محیط	برنامه‌ریزی پلیس در پیشگیری محیط
		سازمان‌دهی پلیس در پیشگیری محیط
		بسیج امکانات پلیس در پیشگیری محیط
		نظارت و کنترل پلیس در پیشگیری محیط
پیشگیری غیر کیفری (وضعی) بزه‌دیده	پیشگیری استراتژی‌های محیطی	برنامه‌ریزی پلیس در پیشگیری استراتژی
		سازمان‌دهی پلیس در پیشگیری استراتژی
		بسیج امکانات پلیس در پیشگیری استراتژی
		نظارت و کنترل پلیس در پیشگیری استراتژی
	پیشگیری رشدمدار	برنامه‌ریزی پلیس در پیشگیری رشدمدار
		سازمان‌دهی پلیس در پیشگیری رشدمدار
		بسیج امکانات پلیس در پیشگیری رشدمدار
		نظارت و کنترل پلیس در پیشگیری رشدمدار
پیشگیری غیر کیفری (اجتماعی) بزهکارمحور	پیشگیری جامعه‌ی	برنامه‌ریزی پلیس در پیشگیری جامعه‌ی
		سازمان‌دهی پلیس در پیشگیری جامعه‌ی
		بسیج امکانات پلیس در پیشگیری جامعه‌ی
		نظارت و کنترل پلیس در پیشگیری جامعه‌ی

نتایج حاصل از تحلیل عاملی نشان می‌دهد که از میان ۲۸ شاخص (گویه) موجود، ۷ مؤلفه و ۳ بعد قابل‌شناسایی است. بر اساس ادبیات، پیشینه و نظریه‌های موجود این مؤلفه‌ها در جدول زیر نام‌گذاری شده‌اند.

جدول ۳: مؤلفه‌های شناسایی شده بعد از استفاده از ادبیات موجود

تعداد گویه	مؤلفه	بعد
۴	شدت در فرآیند کیفری مجازات	پیشگیری کیفری بزهکار محور
۴	قطعیت در فرآیند کیفری مجازات	
۴	تسریع در فرآیند کیفری مجازات	
۴	پیشگیری از طریق طراحی محیط	
۴	پیشگیری استراتژی‌های محیطی	پیشگیری غیر کیفری (وضعی) بزه‌دیده
۴	پیشگیری رشدمدار	پیشگیری غیر کیفری (اجتماعی) بزهکارمحور
۴	پیشگیری جامعه‌ی	

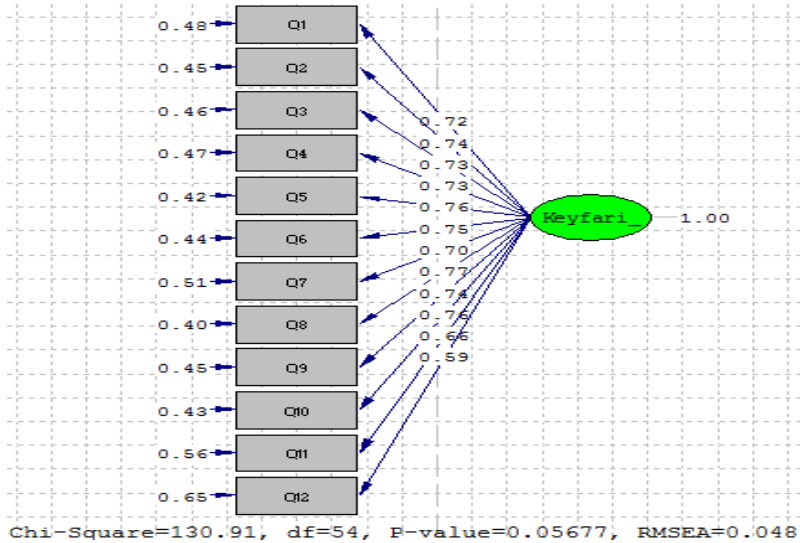
بر اساس عوامل شناسایی شده بالا، مدل مفهومی نهایی پژوهش به‌قرار زیر است:



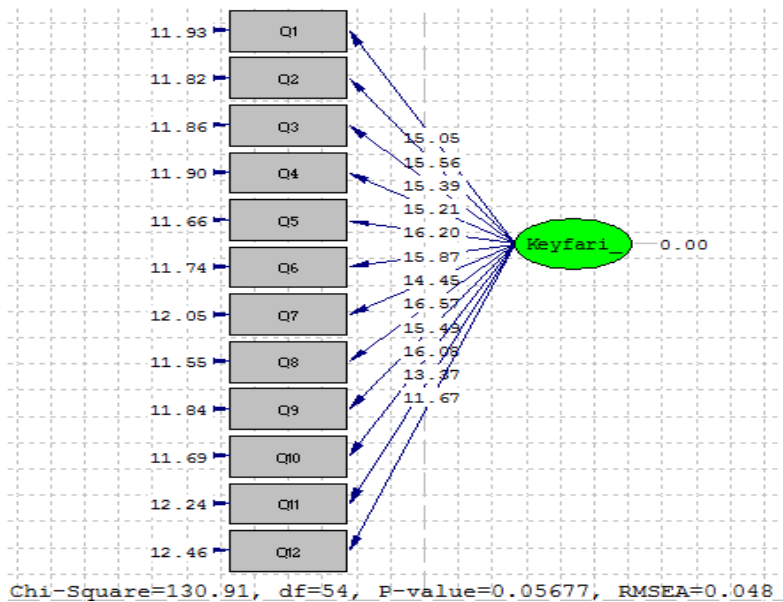
شکل ۳: مدل نهایی پژوهش

در مدل معادلات ساختاری که یک فن نیرومند تحلیل چندمتغیره است، تک‌تک گویه‌ها با خطاهای مجزا تحلیل می‌شود. در این روش، برای رسیدن به نتیجه نهایی، ابتدا باید از معناداری و برازش جزئی اطمینان حاصل کرد تا در نهایت به ترسیم مدل کلی اقدام نمود.

پیشگیری کیفی بزهکار محور: مدل پیشگیری کیفی بزهکار محور توسط ۱۲ گویه اندازه‌گیری می‌شود. ابتدا، آزمون تحلیل عاملی بر روی پیشگیری کیفی بزهکار محور انجام شد. شکل زیر مربوط به مدل نهایی پیشگیری کیفی بزهکار محور است. مقدار کای اسکوئر بر درجه آزادی مدل حاضر ۲/۴۲ و مقدار RMSEA برابر ۰/۰۴۸ می‌باشد.

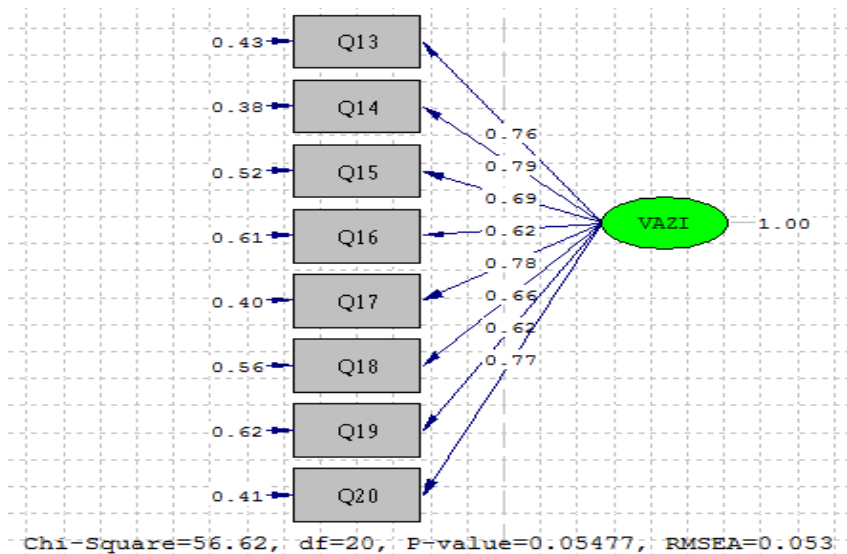


شکل ۴: مدل پیشگیری کیفی بزهکار محور در حالت ضرایب استاندارد

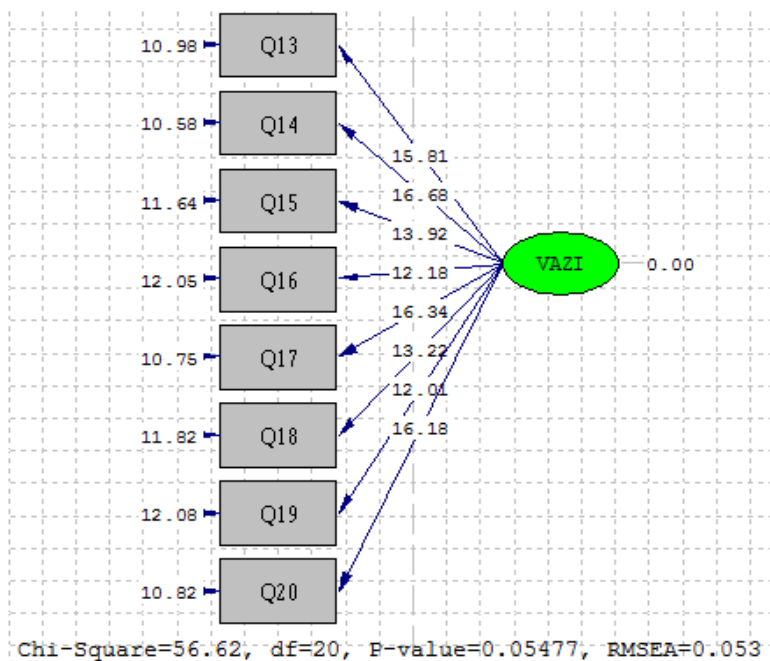


شکل ۵: مدل پیشگیری کیفی بزهکار محور در حالت معناداری ضرایب

پیشگیری غیر کیفی (وضعی) بزه‌دیده: مدل پیشگیری غیر کیفی (وضعی) بزه‌دیده توسط ۸ گویه اندازه‌گیری می‌شود. ابتدا، آزمون تحلیل عاملی بر روی پیشگیری غیر کیفی (وضعی) بزه‌دیده انجام شد.



شکل ۶: مدل پیشگیری غیر کیفی (وضعی) بزه‌دیده در حالت ضرایب استاندارد



شکل ۷: مدل پیشگیری غیر کیفی (وضعی) بزه‌دیده در حالت معناداری ضرایب



در جدول زیر، مهم‌ترین و متداول‌ترین شاخص‌های برازش آورده شده است. همان‌گونه که در جدول دیده می‌شود، تقریباً تمامی شاخص‌ها کفایت آماری دارند؛ بنابراین، با اطمینان بسیار بالایی می‌توان دریافت محقق در مورد این شاخص‌ها به برازش کامل دست یافته است.

جدول ۴: گزیده‌ای از شاخص‌های برازش مهم مدل ترسیمی

شاخص	نام شاخص	اختصار	مقدار	برازش قابل قبول
شاخص‌های برازش مطلق	سطح تحت پوشش (کای اسکور)	-	۵۶/۶۲	
	شاخص نیکویی برازش	GFI	۰/۹۳	بزرگ‌تر از ۰/۹
شاخص‌های برازش تطبیقی	شاخص نیکویی برازش اصلاح‌شده	AGFI	۰/۹۱	بزرگ‌تر از ۰/۹
	شاخص برازش تطبیقی	CFI	۰/۹۵	بزرگ‌تر از ۰/۹
شاخص‌های برازش مقتصد	ریشه میانگین مربعات خطای برآورد	RMSEA	۰/۰۵۳	کمتر از ۰/۱

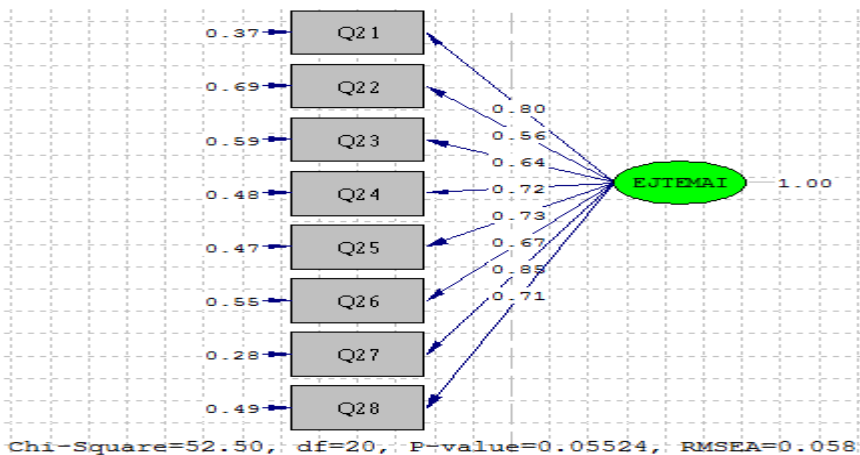
برای اولویت‌بندی شاخص‌ها و مؤلفه‌ها پیشگیری غیر کیفی (وضعی) بزه‌دیده از آزمون فریدمن نیز استفاده گردید. در آزمون فریدمن، فرض صفر نشان‌دهنده یکسان بودن میانگین رتبه‌ها در بین گروه‌هاست؛ بنابراین، رد شدن فرض صفر به این معنی است که در بین گروه‌ها حداقل دو گروه با هم اختلاف دارند. در جدول زیر، اولویت هر یک از مؤلفه‌ها مشخص شده است.

جدول ۵: اولویت‌بندی شاخص‌های پیشگیری غیر کیفی (وضعی) بزه‌دیده

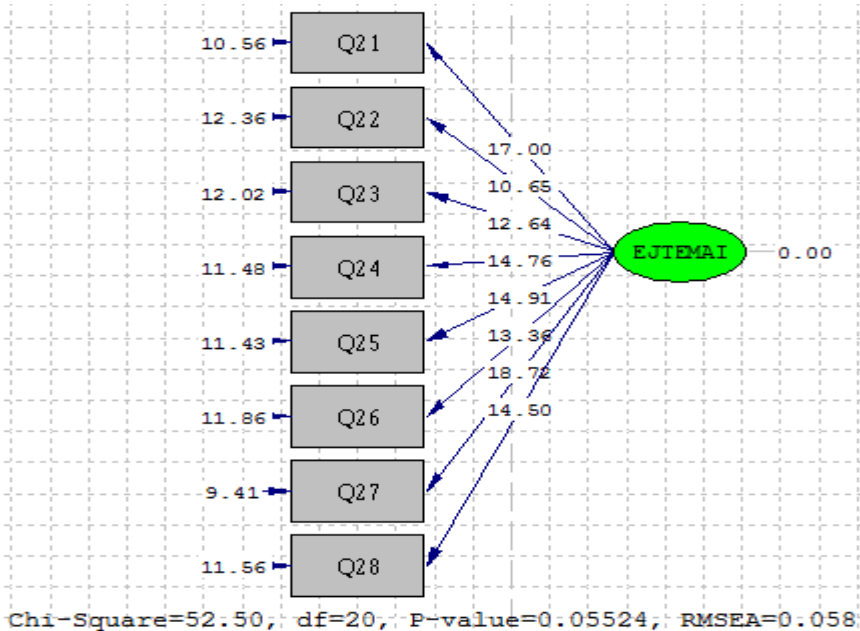
مؤلفه	میانگین رتبه	رتبه	خی دو	Sig.
پیشگیری از طریق طراحی محیط	۱/۵۱	۱	۱۱/۰۱۷	۰/۰۰۰
پیشگیری استراتژی‌های محیطی	۱/۵۰	۲		

همان‌گونه که در جدول بالا نشان داده شده است، تفاوت امتیاز یا رتبه‌ها، در سطح ۰/۰۱ معنادار است؛ بنابراین، در ستون رتبه، رتبه هر یک از شاخص‌ها و مؤلفه‌ها آورده شده است.

پیشگیری غیر کیفی (اجتماعی) بزهکار محور: مدل پیشگیری غیر کیفی (اجتماعی) بزهکار محور توسط ۸ گویه اندازه‌گیری می‌شود. ابتدا، آزمون تحلیل عاملی بر روی پیشگیری غیر کیفی (اجتماعی) بزهکار محور انجام شد. شکل زیر مربوط به مدل نهایی پیشگیری غیر کیفی (اجتماعی) بزهکار محور است. مقدار کای اسکور بر درجه آزادی مدل حاضر ۲/۶۲ و مقدار RMSEA برابر ۰/۰۵۸ می‌باشد.



شکل ۸: مدل پیشگیری غیر کیفی (اجتماعی) بزهکار محور در حالت ضرایب استاندارد



شکل ۹: مدل پیشگیری غیر کیفی (اجتماعی) بزهکار محور در حالت معناداری ضرایب

در جدول زیر، مهم‌ترین و متداول‌ترین شاخص‌های برازش آورده شده است. همان‌گونه که در جدول دیده می‌شود، تقریباً تمامی شاخص‌ها کفایت آماری دارند؛ بنابراین، با اطمینان بسیار بالایی می‌توان دریافت محقق در مورد این شاخص‌ها به برازش کامل دست یافته است.



جدول ۶: گزیده‌ای از شاخص‌های برازش مهم مدل ترسیمی

شاخص	نام شاخص	اختصار	مقدار	برازش قابل قبول
شاخص‌های برازش مطلق	سطح تحت پوشش (کای اسکوئر)	-	۵۲/۵۰	
	شاخص نیکویی برازش	GFI	۰/۹۵	بزرگ‌تر از ۰/۹
شاخص‌های برازش تطبیقی	شاخص نیکویی برازش اصلاح‌شده	AGFI	۰/۹۱	بزرگ‌تر از ۰/۹
	شاخص برازش تطبیقی	CFI	۰/۹۸	بزرگ‌تر از ۰/۹
شاخص‌های برازش مقتصد	ریشه میانگین مربعات خطای برآورد	RMSEA	۰/۰۵۸	کمتر از ۰/۱

برای اولویت‌بندی شاخص‌ها و مؤلفه‌های پیشگیری کیفی بزهکار محور از آزمون فریدمن نیز استفاده گردید. در آزمون فریدمن، فرض صفر نشان‌دهنده یکسان بودن میانگین رتبه‌ها در بین گروه‌هاست؛ بنابراین، رد شدن فرض صفر به این معنی است که در بین گروه‌ها حداقل دو گروه با هم اختلاف دارند. در جدول زیر، اولویت هر یک از مؤلفه‌ها مشخص شده است.

جدول ۷: اولویت‌بندی شاخص‌های پیشگیری غیر کیفی (اجتماعی) بزهکار محور

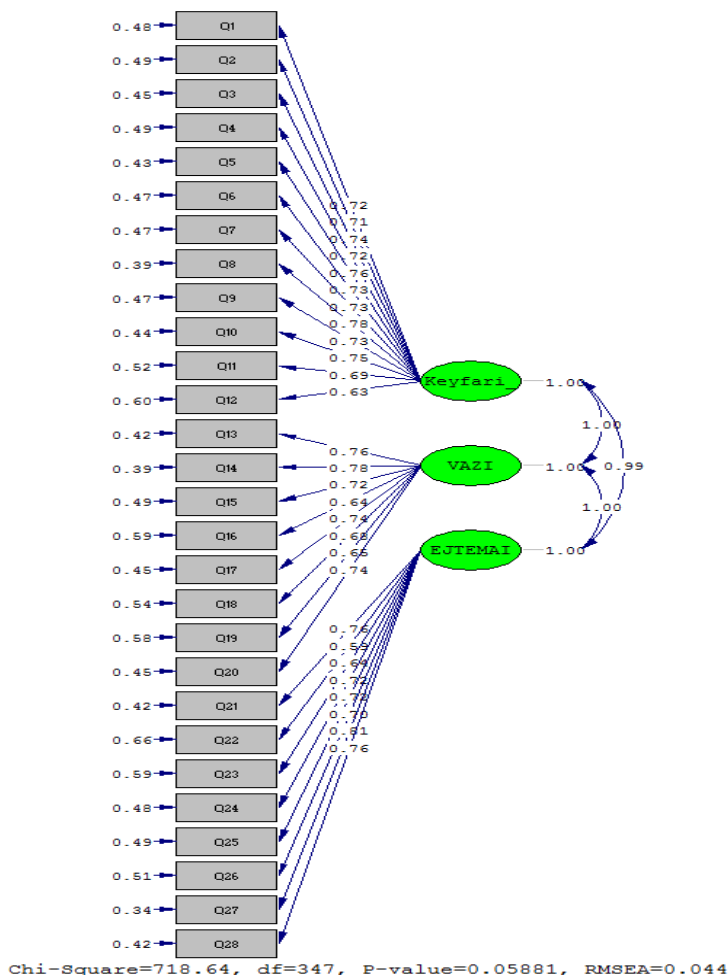
مؤلفه	میانگین رتبه	رتبه	خی دو	Sig.
پیشگیری رشدمدار	۱/۴۷	۲	۱۲/۲۹۰	۰/۰۰۰
پیشگیری جامعه‌ی	۱/۵۳	۱		

همان‌گونه که در جدول بالا نشان داده شده است، تفاوت امتیاز یا رتبه‌ها، در سطح ۰/۰۱ معنادار است؛ بنابراین، در ستون رتبه، رتبه هر یک از شاخص‌ها و مؤلفه‌ها آورده شده است. مدل پژوهش توسط ۲۸ گویه اندازه‌گیری می‌شود. قبل از اجرای تحلیل عاملی همبستگی بین ابعاد موردبررسی قرار گرفته و نتایج آن در جدول زیر آورده شده است.

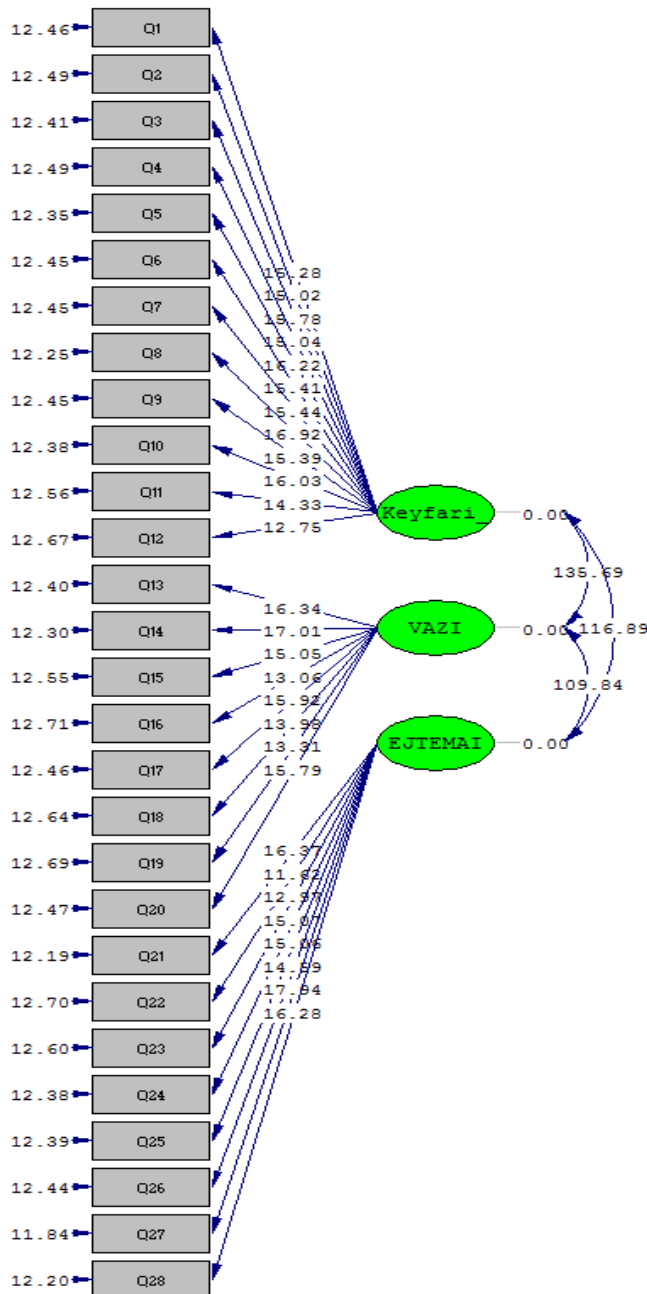
جدول ۸: همبستگی بین ابعاد

پیشگیری غیر کیفی (اجتماعی) بزهکارمحور	پیشگیری غیر کیفی (وضع‌ی) بزه‌دیده	پیشگیری کیفی بزهکار محور
		همبستگی سطح معناداری
	۱	همبستگی سطح معناداری
	همبستگی سطح معناداری	همبستگی سطح معناداری
۱	همبستگی سطح معناداری	همبستگی سطح معناداری

همان‌طور که از جدول بالا مشخص است، علامت * نشان‌دهنده وجود همبستگی بین متغیرهای پژوهش در سطح ۰/۰۱ را نشان می‌دهد؛ یعنی، بین ابعاد رابطه مستقیم وجود دارد. برآوردهای پارامتر استانداردشده در شکل زیر نشان می‌دهد که همه شاخص‌ها از لحاظ آماری معناداری هستند و بارهای عاملی آن در سطح بالایی قرار دارند. بررسی نتایج شاخص‌های برازش حاکی از برازش مناسب مدل می‌باشد. شکل زیر مربوط به مدل نهایی عوامل تشکیل‌دهنده است. مقدار کای اسکور بر درجه آزادی مدل حاضر ۲/۰۷ و مقدار RMSEA برابر ۰/۰۴۴ می‌باشد.



شکل ۱۰: مدل نهایی پژوهش در حالت ضرایب استاندارد



Chi-Square=718.64, df=347, P-value=0.05881, RMSEA=0.044

شکل ۱۱: مدل نهایی پژوهش در حالت معناداری ضرایب

در جدول زیر، مهم‌ترین و متداول‌ترین شاخص‌های برازش آورده شده است. همان‌گونه که در جدول دیده می‌شود، تقریباً تمامی شاخص‌ها کفایت آماری دارند؛ بنابراین، با اطمینان بسیار بالایی می‌توان دریافت محقق در مورد این شاخص‌ها به برازش کامل دست یافته است.

جدول ۹: گزیده‌ای از شاخص‌های برازش مهم مدل ترسیمی

شاخص	نام شاخص	اختصار	مقدار	برازش قابل قبول
شاخص‌های برازش مطلق	سطح تحت پوشش (کای اسکوتر)	-	۷۱۸/۶۴	
	شاخص نیکویی برازش	GFI	۰/۹۴	بزرگ‌تر از ۰/۹
شاخص‌های برازش تطبیقی	شاخص نیکویی برازش اصلاح‌شده	AGFI	۰/۹۱	بزرگ‌تر از ۰/۹
	شاخص برازش تطبیقی	CFI	۰/۹۷	بزرگ‌تر از ۰/۹
شاخص‌های برازش مقتصد	ریشه میانگین مربعات خطای برآورد	RMSEA	۰/۰۴۴	کمتر از ۰/۱

همان‌طور که در شکل‌های بالا نشان داده شده است، کلیه مقادیر پارامترهای مربوط به مدل به همراه بارهای عاملی و ضرایب مسیر نشان داده شده است. با توجه به مقادیر ضرایب استاندارد و ضرایب معناداری تی به‌دست‌آمده در شکل‌های بالا (مقادیر تی بالاتر از ۲/۵۸) می‌توان چنین استنباط کرد که مدل پژوهش از پایداری خوبی برخوردار است که در نهایت مدل مفهومی زیر نتیجه یافته‌های بخش کیفی را نشان می‌دهد:



شکل ۱۲: مدل مفهومی نهایی (نتیجه یافته‌های بخش کیفی)

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش بر اساس اطلاعات مستخرج شده از طریق ادبیات پژوهش و مصاحبه با خبرگان و تحلیل داده‌ها توسط نرم‌افزار MAXQDA، با پیوند دادن کدها و واحدهای معنایی و انتخاب مفاهیم (کدگذاری محوری) و درنهایت ارتباط مقوله‌ها و انجام کدگذاری انتخابی؛ ۳ بعد پیشگیری کیفری بزهکار محور، پیشگیری غیر کیفری (وضعی) بزه‌دیده، پیشگیری غیر کیفری (اجتماعی) بزهکار محور و ۷ مؤلفه شدت در فرآیند کیفری مجازات، قطعیت در فرآیند کیفری مجازات، تسریع در فرآیند کیفری مجازات، پیشگیری از طریق طراحی محیط، پیشگیری استراتژی‌های محیطی، پیشگیری

رشدمدار، پیشگیری جامعه‌ی؛ برای متغیر پیشگیری انتظامی از تکرار جرم سرقت مسلحانه و ۲۸ شاخص شناسایی شدند.

در پاسخ به سؤال تحقیق مبنی بر اولویت‌بندی ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های مدیریت پیشگیری انتظامی از تکرار سرقت مسلحانه در این مرحله به بررسی تأثیر متغیرهای آشکار و پنهان شناسایی‌شده می‌پردازد، یعنی آزمون مدل مفهومی پژوهش با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی که با نرم‌افزار LISREL مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این پژوهش شکاف بین وضعیت مطلوب و وضعیت موجود توسط آزمون t مورد بررسی قرار گرفت که مقدار t با مقدار عددی ۳ مورد مقایسه قرار گرفت. نتایج آزمون t نشان داد که سطح معناداری در همه ابعاد و مؤلفه‌ها کمتر از پنج‌صدم می‌باشد و بنابراین فرض صفر با ۹۵ درصد اطمینان برای این مؤلفه‌ها رد و فرض پژوهش تأیید می‌شود و نیز از نتایج چنین استنباط می‌شود که وضعیت مؤلفه‌ها و ابعاد در وضعیت متوسط قرار دارد.

یافته‌های سؤال شماره یک نشان داد که: متغیر مدیریت پیشگیری انتظامی از تکرار سرقت مسلحانه دارای سه بعد (پیشگیری کیفی بزهکار محور، پیشگیری غیر کیفی (وضعی) بزه‌دیده، پیشگیری غیر کیفی (اجتماعی) بزهکارمحور) می‌باشد که در مدل تأییدی ارائه‌شده دارای بار عاملی بالای ۰/۵ و ضرایب همسانی و اعتبار ترکیبی بالا و معنی‌دار می‌باشند، لذا تأثیر همه ابعاد بر متغیر پیشگیری انتظامی از تکرار سرقت مسلحانه و سرقت مورد تأیید قرار گرفت. به‌گونه‌ای که این یافته علاوه بر هماهنگی با نتایج صالحی (۱۳۸۷)، سلیمی (۱۳۹۵)، بنی‌اسد و همکاران (۱۳۹۴)، مک‌کارتی (۲۰۱۳) در خصوص ابعاد مدیریت پیشگیری انتظامی از تکرار سرقت مسلحانه همسو است.

یافته‌های سؤال‌های شماره دو و سه نشان داد که ۲۸ شاخص شناسایی‌شده در بخش کیفی در متغیر مدیریت پیشگیری انتظامی از تکرار سرقت مسلحانه و سرقت؛ هفت مؤلفه (شدت در فرآیند کیفی مجازات، قطعیت در فرآیند کیفی مجازات، تسریع در فرآیند کیفی مجازات، پیشگیری از طریق طراحی محیط، پیشگیری استراتژی‌های محیطی، پیشگیری رشدمدار، پیشگیری جامعه‌مدار) را تأیید می‌کنند، به‌گونه‌ای که این یافته با نتایج سلیمی (۱۳۹۵)، بنی‌اسد و همکاران (۱۳۹۴)، احسانی (۱۳۹۲)، فرجی‌ها (۱۳۸۸) در خصوص مؤلفه‌های مدیریت پیشگیری انتظامی از تکرار سرقت مسلحانه و سرقت همسو است.



یافته‌های رتبه‌بندی عوامل متغیر مدیریت پیشگیری انتظامی از تکرار سرقت مسلحانه و سرقت نشان می‌دهد که تأثیر پیشگیری غیر کیفی (اجتماعی) بزهکارمحور بر پیشگیری انتظامی از تکرار سرقت مسلحانه و سرقت در رتبه اول قرار دارد. رهیافت پیشگیری اجتماعی تربیت محور بوده و بر تقویت سازوکارهای خودکنترلی، آموختن مهارت‌های اجتماعی و اتخاذ اقداماتی به‌منظور پر کردن خلأهای شخصیتی افراد تأکید می‌کند. در این راستا، یکی از ابزارهای نوین و اثبات‌شده در امر پیشگیری اجتماعی، تعیین کدهای رفتاری یا کردارنامه‌ها هستند که با توجه به رویکرد و ماهیت تخصصی‌شان می‌توانند در پیشگیری از بزهکاری نقش مطلوب خویش را ایفا کنند. همگام با آموزه‌های پیشگیری اجتماعی از جرم، شالوده و زیربنای کدهای رفتاری بر محور آگاهی بخشی، هشداری و آموزش استوار است. پیشگیری غیر کیفی با هدف کلی علاج واقعه قبل از وقوع تأکید دارد که قبل از تحقق جرم به‌راحتی می‌توان با تغییر شرایط و رفع علل و عوامل از وقوع آن جلوگیری کرد. در این نوع پیشگیری، هدف هماهنگ‌سازی اعضای جامعه با قواعد اجتماعی و محور اقدامات در پیشگیری فرد است؛ به‌عبارت‌دیگر، پیشگیری اجتماعی همانند پیشگیری کیفی، مجرم مدار و فرد مدار است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که پلیس با مداخله در روند جامعه‌پذیری و تعامل با بخش‌های گوناگون اجتماع و مشارکت با نهادهای ذی‌ربط می‌تواند نقش قابل‌توجهی در پیشگیری اجتماعی (غیر کیفی) ایفا نماید. نتایج تحلیل داده‌ها با روش آزمون تی تک نمونه‌ای روشن ساخت که وضعیت موجود مدیریت پیشگیری انتظامی از تکرار سرقت مسلحانه مطلوب می‌باشد؛ به‌عبارت‌دیگر بر اساس یافته‌ها، مدیریت پیشگیری انتظامی از تکرار سرقت مسلحانه و سرقت به‌عنف و مؤلفه‌های آن دارای میانگینی بیش از میانگین فرضی موردبررسی دارد که بیانگر ادراک مساعد کارکنان از وضعیت موجود پیشگیری انتظامی از تکرار سرقت مسلحانه و سرقت به‌عنف و مؤلفه‌های آن در ناجا می‌باشد.

پیشنهاد‌های پژوهش

در این پژوهش با هدف ارائه مدل طراحی الگوی مدیریت پیشگیری انتظامی از تکرار جرم سرقت مسلحانه طراحی گردید که در ادامه و در این راستا، پیشنهاد‌های زیر نیز بر اساس یافته‌های پژوهش ارائه می‌شود:

- می‌توان با اعمال تغییراتی در ساختار کالبدی فضا از جمله: نورپردازی، تزریق کاربری‌ها، اصلاح شبکه معابر، تشخیص حدود و قلمرو، افزایش نظارت غیررسمی، پوشش گیاهی مناسب، استقرار مبلمان شهری مناسب در مسیر پیاده راه‌ها، طراحی مناسب ساختمان‌ها، مهندسی محیط و منظر شهری؛ از وقوع جرم جلوگیری نمود.
- نیاز به رفع پاسخ‌های نامناسب یا غیر جانب‌دارانه از قربانیان جرم به‌ویژه توسط پلیس و دادگاه‌ها (بزه‌دیدگی ثانویه) که در عمل ممکن است موجب تضعیف قربانی و تشدید آثار جرم بر او شود.
- از بین بردن اماکن و محلاتی که محل گردهمایی و تجمع ولگردان، فواحش، توزیع‌کنندگان مواد مخدر، اشرار و سابقه‌داران است.
- توجه به شخص و به مرتبه انسانی بزه‌کار و احترام به وجود او نه در حد یک شی بلکه در حد یک انسان، باعث شد که اولاً دیگر زندانبان‌ها به‌تنهایی حاکم بر سرنوشت مجرمین نباشند و افراد دیگری به محیط زندان قدم بگذارند و تحت عنوان جرم‌شناس و روانشناس، روانکاو و مددکار اجتماعی مجرم را یاری کنند؛ ثانیاً زندان از محیط مجازات و شکنجه به محیط اصلاح، تربیت و درمان تغییر حالت دهد.
- لازم است تا برنامه‌های آموزشی پیشگیرانه از طریق مداری و یا دیگر نهادهای آموزشی جهت توانمندسازی افراد برای دسترسی به معیارهای یک زندگی مناسب برنامه‌ریزی شود.
- لازم است تا سازمان تأمین اجتماعی، آموزش و پرورش و سازمان بهزیستی کشور برنامه‌های هماهنگی را جهت توانمندسازی افراد آسیب‌دیده طراحی کنند و صداوسیما جمهوری اسلامی ایران نیز برنامه‌های آگاه‌سازی را مدنظر قرار دهد.
- پیشنهاد می‌شود تا برنامه‌هایی جهت جلب مشارکت مردمی همانند: پلیس افتخاری، همیاران پلیس، همیاران محله، با هماهنگی ستاد مرکزی ائمه جمعه و جماعت، مساجد محله‌ها تدوین و توسعه داده شوند.



منابع

- بکاریا، چزاره (۱۳۷۴). «رساله جرائم و مجازات». تهران: نشر میزان.
- جاسبی، عبدالله (۱۳۶۸). «مدیریت اداری». تهران: نشر دانشگاه آزاد اسلامی.
- خزائی پارسا، فاطمه (۱۳۸۸). «طرح آموزش پیشگیری از سوءمصرف مواد در مهدهای کودک». تهران: مرکز تحقیقات سوءمصرف و وابستگی به مواد، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳). «فرهنگ فارسی». تهران: انتشارات امیرکبیر.
- رضاییان، محمدجواد (۱۳۸۲). «بررسی تأثیر گرایش جوانان به اعتیاد در سرقت در جامعه». مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۴۵.
- شاملو، سعید (۱۳۸۳). «مکتبها و نظریه‌های در روانشناسی شخصیت». تهران: انتشارات رشد.
- غلامی، حسین (۱۳۷۸). «بررسی تکرار جرم». (رساله دکتری)، دانشگاه تهران.
- غلامی، حسین (۱۳۸۲). «بررسی حقوقی - جرم شناختی تکرار جرم». تهران: نشر میزان.
- قربانی، زین‌العابدین (۱۳۷۲). «اسلام و حقوق بشر». تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- قلاوند، فرزین (۱۳۸۸). «تکرار در سرقت‌های خشن». تهران: دفتر وحدت اسلامی.
- گودرزی، الیاس و جهانشیری، مهرداد (۱۳۹۳). «تبیین جرم شناختی سرقت». تهران: نشر رادمد.
- محمد نسل، غلامرضا (۱۳۹۳). «پیشگیری از جرم نوین». تهران: نشر نو.
- معین، محمد (۱۳۷۵). «فرهنگ فارسی». تهران: انتشارات امیرکبیر.
- مهر، ماهبانو (۱۳۸۶). «متدهای سرقت خشن». تهران: انتشارات پدیدار انقلاب.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۸). «پیشگیری عادلانه از جرم در علوم جنایی». تهران: انتشارات سمت.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۹). «تقریرات درس جرم‌شناسی نظری». دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس.
- نجفی توانا، علی (۱۳۹۲). «جرم‌شناسی». (چاپ سوم)، تهران: نشر آموزش و سنجش.
- نیازپور، امیر حسن (۱۳۸۲). «پیشگیری از بزهکاری در قانون اساسی ایران و لایحه پیشگیری از وقوع جرم». مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۵.
- نیازپور، امیر حسن (۱۳۸۶). «حقوق پیشگیری از بزهکاری در ایران». مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۸.

- نیازپور، امیرحسین (۱۳۹۳). «اساسی سازی حقوق پیشگیری از جرم در ایران». پژوهش حقوق کیفری، شماره شش.
- نیکوکار، مهرداد (۱۳۹۴). «تلفیق جرم و مجازات». تهران: انتشارات امیرکبیر.
- وروایی اکبر (۱۳۹۴). «تعدد نتایج مجرمانه در فقه و حقوق کیفری ایران». مطالعات فقه و حقوق اسلامی، سال هفتم، پاییز و زمستان (۱۳۹۴)، شماره ۱۳.

Archive of SID